

تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواج زنان و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه

هاتم حسینی*

هدف از این مقاله بررسی رفتارهای ازدواج زنان گُرد و تُرک و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران است. داده‌ها حاصل یک پیمایش مقطعی در شهرستان ارومیه است که از طریق پرسشنامه ساخت یافته گردآوری و اطلاعات مربوط به ۷۳۹ زن واجد شرایط بررسی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو بُعد رفتاری و نگرشی تفاوت‌های معنی‌داری در برخی از ابعاد مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده بین زنان گُرد و تُرک وجود دارد. ازدواج خویشاوندی از عمومیت بیشتری در میان گُردها برخوردار است. با این حال، گرایش به ازدواج خویشاوندی در طول زمان کمتر شده است، اما زنان گُرد در مقایسه با تُرک‌ها گرایش بیشتری به ازدواج دخترشان با افراد فامیل دارند. نتایج تحلیل طبقه‌بندی چندگانه نشان داد که تأثیر قومیت بر ازدواج با خویشاوندان علی‌رغم کنترل اثر عوامل مرتبط با نوسازی و توسعه اقتصادی اجتماعی هم‌چنان معنی‌دار است، اما در طول زمان و در اثر تأثیرپذیری زنان گروه‌های قومی از نیروهای نوسازی، این تأثیر کاهش یافته است. بر پایه این بررسی، سواد و تحصیلات زنان، محل سکونت و وضعیت اشتغال و نوع شغل زنان بیشترین تأثیر را در تبیین تفاوت‌های قومی در نگرش نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج، خویشاوندی، قومیت، گُرد، تُرک، تحلیل طبقه‌بندی چندگانه، ارومیه

مقدمه

در طول چند دهه گذشته، فرایند و پیامدهای نوسازی اثرات غیرقابل انکاری بر رخساره‌های زندگی اجتماعی انسان از جمله خانواده و ازدواج گذاشته است. ازجمله این تأثیرها

h-hosseini@basu.ac.ir

* استادیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

می‌توان به دگرگونی در نظام‌های ارزشی و هنجاری جوامع اشاره نمود. امروزه، با افزایش جمعیت، تخصصی‌شدن مشاغل و گسترش تقسیم‌کار اجتماعی، ارتباطات اجتماعی و به تعبیر دورکیم تراکم اخلاقی بیشتر شده و ارزش‌ها و هنجارهای گوناگونی در جامعه به وجود آمده است. شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که در بسیاری از نقاط جهان نوعی تغییر اساسی در رفتار و ایستارهای افراد نسبت به ازدواج و نیز برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده صورت گرفته است. بر همین اساس، بهنام (۱۹۹۲: ۲۵) تحول خانواده را یکی از مهم‌ترین مسائل دنیای امروز می‌داند. تفاوت‌های بین‌فرهنگی در اجتماعات انسانی سبب شده است تا این تغییرات و تحولات ماهیت نسبتاً متفاوتی داشته باشد. اندازه تغییرات و تعیین‌کننده‌های آن نه تنها از یک کشور به کشور دیگر، بلکه در مناطق مختلف یک کشور نیز متفاوت است.

در ایران حاکمیت ارزش‌های اسلامی در طی قرن‌های متمادی نقش مهمی در تنظیم روابط و مناسبات میان افراد و خانواده‌ها ایفا می‌کرده است. در نتیجه حاکمیت ارزش‌ها و احکام مذهبی بر شیوه‌های ارتباط زنان و مردان با یکدیگر در جامعه، تعاملات زوجین قبل از ازدواج محدود و تحت نظارت دقیق خانواده‌ها بود (تشکری و تامپسون^۱ ۱۹۸۸). انتخاب همسر برای فرزندان عمدتاً توسط والدین و از بین خویشاوندان صورت می‌گرفت (سرایبی ۱۳۸۵، عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۸، عسکری ندوشن و همکاران ۲۰۰۶). در این شرایط، ازدواج با خویشاوندان نزدیک بسیار رایج بود (کتابی ۱۳۷۹). در الگوی تاریخی خانواده در ایران، ازدواج عمدتاً به صورت ترتیب یافته صورت می‌گرفت و درون‌همسری عمومیتی خاص داشت (عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴: ۳۴). بررسی‌ها (گیونز^۲ و هیرشمن^۳ ۱۹۹۴، حسینی و عباسی شوازی ۱۳۸۸، عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳، عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴، عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴، عباسی شوازی و ترابی ۱۳۸۵، الف) از تداوم این الگوهای ازدواج حکایت دارد.

جامعه ایران طی دهه‌های گذشته، به‌ویژه سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، تحولات بسیاری در ابعاد مختلف اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تجربه نمود. به باور سرایی (۱۳۸۵: ۴۱) تاریخ معاصر ایران روایتگر تقلای یک جامعه ریشه‌دار محلی از یکسو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر برای مُدرن شدن (تغییر) بوده است. در بستر این تحولات، با وجود تداوم نقش عناصر فرهنگی گذشته و تأثیر پایدار ارزش‌های مذهبی

1. Thompson
3. Hirschman

2. Givens

بر نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی ایرانیان، برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده و به تبع آن نگرش‌ها، رفتار و ایده‌آل‌های مربوط به ازدواج و فرزندآوری دست‌خوش تغییر شد.

نسل‌های جدید دارای مجموعه تازه‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌ها هستند (عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴: ۳۵). از سوی دیگر، در جریان نوسازی تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی افراد و گروه‌های اجتماعی بیشتر شده و همانندی‌های گذشته کم‌رنگ شده است. عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵ ب: ۱۲۰) استدلال می‌کنند که با وجود تأثیرپذیری ایران از جریان‌های نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی، ازدواج‌های خویشاوندی اگر افزایش نیافته باشد ثابت مانده است. با این حال، الگوهای ازدواج در میان گروه‌های قومی متفاوت است (ترابی و باسک‌هیری^۱ ۲۰۱۰: ۳۱، عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴، عباسی شوازی و ترابی ۱۳۸۵ ب، ۱۳۸۵ الف، محمودیان ۱۳۸۳، حسینی ۱۳۸۷ ب: ۱۵۶، حسینی و عباسی شوازی ۱۳۸۸: ۶۵). هرچند محمدپور و همکاران (۱۳۸۸: ۸۱) از تغییرات ژرف در نظام خانواده و خویشاوندی دو ایل گُردگورک و منگور در شهرستان مهاباد سخن می‌رانند، اما عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴: ۴۴) و عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵ الف: ۶۸) قومیت را یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگی مؤثر بر فرآیند همسرگزینی می‌دانند و بر این باورند که در ایران قومیت تأثیر مستقل معنی‌داری بر الگوهای ازدواج دارد. نتیجه مشابهی پیش‌تر توسط وون‌الم و هیرشمن^۲ (۱۹۷۹) در مالزی به دست آمده بود. نقش قومیت و زمینه‌های فرهنگی متفاوت در الگوهای ازدواج در تحقیقات دیگر (تاپا^۳ ۱۹۸۹ و ۱۹۹۷، زناس و گالتیانو^۴ ۱۹۹۲، مالهورا^۵ ۱۹۹۷، پالمور^۶ ۱۹۸۳، مین^۷ ۱۹۹۷، کنعانی ۱۳۸۵، ترابی و باسک‌هیری ۲۰۱۰، محمودیان ۱۳۸۳) به اثبات رسیده است.

مک دونالد (۲۰۰۰) گروه‌های قومی را یکی از بسترهای مناسب برای بررسی روندهای جمعیت‌شناختی می‌داند. گُردها بعد از ترک‌ها سومین گروه عمده جمعیتی در ایران هستند که در طول چند دهه گذشته تحولات چشم‌گیری در زندگی اقتصادی و اجتماعی خود تجربه کرده‌اند. هم‌زمان با این تحولات، نظام خانواده، ساختار زناشویی و هنجارهای حاکم بر آن نیز تغییرات اساسی یافته است. حسینی (۱۳۸۷ الف) نشان داد که ساختار زناشویی زنان گُرد متفاوت از

- | | |
|--------------|--------------------------|
| 1. Baschieri | 2. Von Elm and Hirschman |
| 3. Thapa | 4. Xenos and Gultiano |
| 5. Malhotra | 6. Palmore |
| 7. Minh | |

ترکیب وضع زناشویی زنان تُرک است. با این حال، یافته‌ها از تنوع نسبی در ترکیب وضع زناشویی زنان کُرد حکایت دارد. بنابراین، می‌توان گفت تعلق قومی به تنهایی تبیین‌کننده تفاوت‌ها در مشخصه‌های مرتبط با ازدواج و زناشویی نیست. ترکیب متفاوت وضع زناشویی زنان احتمالاً منعکس‌کننده کشش بین نیروهای اقتصادی اجتماعی تغییر و ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی متفاوت زنان است. با در نظر گرفتن زمینه‌های قومی و فرهنگی جامعه ایران و نیز این واقعیت که گروه‌های قومی به شیوه ناهم‌سانی در معرض تغییرات نوسازی طی دهه‌های اخیر قرار گرفته‌اند، مطالعه رفتار و نگرش‌های مرتبط با ازدواج زنان کُرد و تُرک می‌تواند به درک عمیق‌تر تغییرات در رفتارها و نگرش‌های ازدواج زنان و پیش‌بینی الگوهای احتمالی همسرگزینی در آینده کمک کند. از سوی دیگر، فقر مطالعات در زمینه الگوهای قومی ازدواج در ایران، ضرورت این مطالعه را دوچندان می‌کند. هدف اصلی این مقاله بررسی تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواج زنان در زمینه ازدواج خویشاوندی، زمان‌بندی ازدواج و ازدواج بین‌قومی و نیز نگرش مادران نسبت به ازدواج دختران در زمینه‌هایی چون ازدواج خویشاوندی، زمان‌بندی ازدواج و اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل است. در این راستا تلاش می‌کنیم تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. آیا تفاوت معنی‌داری در رفتارهای ازدواج زنان کُرد و تُرک وجود دارد؟
۲. نگرش زنان کُرد و تُرک نسبت به ازدواج دختران چگونه است؟
۳. آیا نگرش‌های ازدواج زنان متفاوت از رفتارهای ازدواج آنان است؟ در هر یک از کوهورت‌های ازدواج وضعیت چگونه است؟
۴. نقش قومیت در تفاوت رفتار و نگرش‌های ازدواج زنان چگونه است؟ با کنترل ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی زنان، چه تغییری در رابطه قومیت و الگوهای ازدواج به وجود می‌آید؟

مبانی نظری

رویکردهای نظری رایج در زمینه تغییرات خانواده و ازدواج را می‌توان به دو دسته کلی تبیین‌های ساختاری^۱ و تبیین‌های اندیشه‌ای^۲ تقسیم کرد. در رویکرد تبیین ساختاری، تغییرات خانواده بر پایه تغییرات ساختاری‌ای که در جامعه به وقوع پیوسته تبیین می‌شود. پایه نظری بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در زمینه تغییرات خانواده و الگوهای ازدواج و خویشاوندی

1. Structural Explanation

2. Ideational Explanation

نظریهٔ نوسازی است. رویکرد نوسازی با الهام از نسخهٔ غربی توسعه و ترقی بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، تکنولوژی، رسانه‌های ارتباطی، حمل و نقل و ارتباطات تأکید دارد و این‌که با ورود آنها به هر جامعهٔ سنتی، تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شود. نظریهٔ نوسازی تغییرات خانواده را انطباق سازمان‌یافته با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی در نظر می‌گیرد. بر پایهٔ این دیدگاه، نهاد خانواده تحت تأثیر عناصر نوسازی هم به لحاظ ساختی و هم به لحاظ کارکردی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود (محمدپور و همکاران ۱۳۸۸: ۷۴، عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۸۸: ۴-۵).

به باور گود^۱ (۱۹۶۳) فرآیند نوسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، نهاد خانواده و ابعاد فردی و اجتماعی آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظام‌های خانوادهٔ گسترده و سایر گروه‌های خویشاوندی از هم می‌پاشند و حرکتی جهانی در جهت برتری خانوادهٔ هسته‌ای ایجاد می‌کنند. در جریان نوسازی و نفوذ اندیشه‌های غربی، تعهدات نسبت به گروه خانوادگی در برقراری پیوندهای ازدواج اهمیت خود را از دست می‌دهد (گیدنز ۱۳۷۳: ۴۲۱-۴۲۰). کاهش کارکردهای شبکهٔ قدرتمند خویشاوندی و خانوادهٔ گسترده به کاهش اقتدار والدین و افزایش استقلال فرزندان در امور فردی خود از جمله شیوهٔ همسرگزینی منجر شده است. زنان از حق انتخاب بیشتری در امر ازدواج و تصمیم‌گیری در خانواده برخوردار شدند. انتخاب آزادانهٔ همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقهٔ دوجانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است. در نتیجه، از رواج ازدواج‌های ترتیب‌یافته و خویشاوندی که مشخصهٔ فرهنگ‌های سنتی بود کاسته شد (گیدنز ۱۳۷۳: ۴۲۱، گود ۱۹۶۳ به نقل از عباسی شوازی و ترابی ۱۳۸۵ الف: ۶۴، کنعانی ۱۳۸۵: ۱۰۷). اسمیت^۲ (۱۹۸۰) بر این باور است که چارچوب نظری طرح‌ریزی شده بر مبنای نظریهٔ نوسازی، به طرز ساده‌ای بین عوامل سنتی و مدرن تمایز گذاشته است. در واقع، در رویکرد نوسازی نوعی رابطهٔ خطی بین روندهای نوسازی و تغییرات خانواده و الگوهای ازدواج تصور شده است. تحقیقاتی که بعدها انجام شد، این رابطه را تأیید نکرد و تغییرات را ناشی از تعامل پیچیدهٔ عوامل گوناگون دانسته‌اند (عباسی شوازی و ترابی ۱۳۸۵ الف: ۶۴).

تبیین اندیشه‌ای مبتنی بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها در تبیین تغییرات خانواده است. در تبیین‌های اندیشه‌ای عمدتاً بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع در تغییر

1. Good

2. Smith

رفتارها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و خانواده تأکید می‌شود (لستاق^۱ ۱۹۹۵، کله لند و ویلسون ۱۹۸۷، وان دکا ۲۰۰۱، لستاق و سورکین ۱۹۸۸). نسخه جدیدی از تبیین‌های اندیشه‌ای، نظریه ایده‌آلیزم توسعه‌ای^۲ است که توسط آرلند تورنتون^۳ (۲۰۰۱) مطرح شده است. در این نظریه، نیروی اصلی تعیین‌کننده تغییرات ارزشی و رفتاری در خانواده‌ها، اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت و مدرنیته در سطح جهان است. بر اساس این دیدگاه، ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت به عنوان یک آرمان بشری و در شکل بسته‌ای از ایده‌ها در دنیا مقبولیتی عام یافته است. جامعه و خانواده مدرن خوب و قابل حصول توصیف شده و بین آن‌ها ارتباط علی متقابل وجود دارد. انسان‌های مدرن آزاد و برابرند و روابط اجتماعی مبتنی بر توافق و اجماع در میان آن‌ها حاکم است. این مجموعه از ایده‌ها، نیروی قدرتمند در تغییرات نگرشی و رفتاری خانواده‌ها در سطح جهان بوده است (عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۸۸: ۵-۶).

سرای (۱۳۸۵) با تدارک یک رویکرد نظری جدید بر مبنای نظریه نوسازی و ارایه یک چارچوب مفهومی و تحلیلی برای بررسی تغییرات خانواده در ایران، این تغییرات را حاصل برهم‌کنشی مداوم نیروهای بیرونی و عوامل و شرایط داخلی می‌داند. به این ترتیب، برخلاف آنچه که در دیدگاه نوسازی و ایده‌آلیزم توسعه‌ای عنوان می‌شود، باید گفت همیشه درجه‌ای از عاملیت در محل وجود دارد. در واقع، تأثیر نیروهای نوسازی از مجرا و مسیر عوامل، شرایط و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران نمود پیدا می‌کند. همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی هم‌زمان و به یک نسبت از روندهای مزبور تأثیر پذیرفته‌اند، بعضی‌ها زودتر و با شدت بیشتری در معرض این تغییرات قرار گرفته و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. در مقابل، برخی گروه‌ها و اجتماعات ایرانی دیرتر و با شدت کمتری از این تغییرات تأثیر پذیرفته‌اند. ترابی و باسک هیری (۵۵:۲۰۱۰) نشان دادند که تأثیر زمینه‌های اقتصادی اجتماعی اقوام بر زمان‌بندی و احتمال ازدواج زنان گروه‌های قومی متفاوت است. به باور آن‌ها، پاسخ‌های متفاوت گروه‌های قومی به تغییرات مشابه در زمینه‌های اقتصادی اجتماعی، از حساسیت فرهنگی به تأثیرات زمینه‌ای و فرهنگی حکایت دارد. از آن‌جا که در جامعه کنونی ایران، گروه‌های قومی و فرهنگی به درجات مختلف از مشخصه‌های سنتی، مدرن و حتی پسامدرن برخوردارند، به‌طور هم‌زمان می‌توان شکل‌های مختلفی از خانواده، سبک‌های مختلف تشکیل خانواده، سطوح مختلف سن ازدواج و

1. Lesthaeghe

2. Developmental Idealism

3. Arland Thornton

فرزندآوری و تمایل به ازدواج‌های خویشاوندی^۱ (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴، کنعانی ۱۳۸۵، عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴، حسینی و عباسی شوازی ۱۳۸۸، عباسی شوازی و ترابی ۱۳۸۵ ب، ۱۳۸۵ الف، عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳، عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۸۸، سربابی ۱۳۸۵: ۵۳-۵۴) را مشاهده نمود. چنین وضعیتی را می‌توان از یک سو حاصل تجربه‌های متفاوت نوسازی در بین اقوام و مشخصه‌های متمایز فرهنگی و ارزشی آن‌ها دانست.

بنابراین، می‌توان گفت رفتار و نگرش‌های مرتبط با ازدواج افراد و خانواده‌ها بر حسب اجتماعات و اقوامی که دارای فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی خاص خود هستند، متغیر خواهد بود. در واقع، نیروهای نوسازی و بسته‌آیده‌آل‌ها، ایده‌آل‌یزم توسعه‌ای، اگرچه الگوهای همسرگزینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما تأثیر آن‌ها با توجه به پیشینه منحصر به فرد تاریخی و ساختارهای اجتماعی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه به گونه متفاوتی ظاهر خواهد شد. این تأثیر با توجه به زمینه‌های قومی و فرهنگی جامعه ایران، در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و حتی در میان اقوام در لایه‌های اجتماعی یکسان و هم‌زمان نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد تعلق قومی و ویژگی‌های فرهنگی در تعامل با نیروهای نوسازی، توسعه اقتصادی اجتماعی و بسته‌آیده‌آل‌ها به گونه‌های متفاوتی رفتار و نگرش‌های ازدواجی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

داده‌ها و روش‌شناسی تحقیق

داده‌های این بررسی حاصل یک پیمایش مقطعی با عنوان «تفاوت‌های باروری قومیت‌های گُرد و تُرک در ایران: مطالعه موردی شهرستان ارومیه» است که با استفاده از ابزار پرسشنامه ساخت یافته گردآوری شده و با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در تابستان ۱۳۸۶ به انجام رسیده است. در طرح مذکور، بر مبنای داده‌های نتایج اولیه سرشماری ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه و تعداد کل خانوارهای ساکن در نقاط روستایی با بیش از ۳۰ خانوار و با ترکیب قومی ترک، حجم نمونه‌ای بالغ بر ۳۸۴ خانوار تعیین شد که با توجه به ماهیت تطبیقی طرح، تعداد نمونه گُرد نیز ۳۸۴ خانوار در نظر گرفته شد. بر این اساس، حجم کل نمونه برابر با ۷۶۸ خانوار تعیین شد. تعداد زنان واجد شرایط بررسی در طرح مورد اشاره ۷۳۹ نفر بود. نمونه‌ها بر اساس ترکیبی

1. Consanguineous Marriage

از روش‌های خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تصادفی و تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. واحد تحلیل یک زن ۱۵ تا ۴۹ ساله‌ای است که تا زمان بررسی دست‌کم یک بار ازدواج کرده است.

استان آذربایجان غربی و به تبع آن شهرستان ارومیه دارای یک جمعیت ناهمگن از نظر قومی و مذهبی (ترکیبی از دو گروه قومی عمده کُرد و تُرک با مذاهب سنی و شیعه) است. برخورداری ناهمسان گروه‌های قومی و مذهبی از شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، مشارکت نابرابر در دستگاه‌های سیاسی و اداری، احساس بی‌عدالتی قومی، محرومیت اجتماعی (بلالی ۱۳۸۴) و احساس عدم امکان تحرک اجتماعی برابر از سوی اقلیت کُرد (حسینی ۱۳۸۷ ب)، شهرستان ارومیه را به بستری مناسب برای بررسی تفاوت‌های قومی در رفتارها و نگرش‌های مرتبط با ازدواج تبدیل کرده است. بنابراین، داده‌های این مطالعه امکان بررسی رابطه بین قومیت و الگوهای ازدواج را فراهم می‌سازد.

متغیرهای مورد بررسی شامل دو دسته متغیرهای رفتاری و نگرشی است. در بعد رفتاری، عملکرد زنان و وضعیت آن‌ها در زمینه‌هایی چون زمان‌بندی ازدواج (بر حسب سن هنگام ازدواج)، ازدواج‌های خویشاوندی (بر حسب نسبت فامیلی زن با شوهر در اولین ازدواج) و ازدواج بین‌قومی (بر حسب زبان مادری شوهر پاسخ‌گو) عملیاتی و بررسی می‌شود. علاوه بر رفتارهای مرتبط با ازدواج زنان، به بررسی نگرش زنان در زمینه ازدواج دختران نیز پرداخته شد. در این زمینه ایستارها و نگرش زنان در زمینه‌هایی چون: ازدواج خویشاوندی دختران از طریق پرسش درباره این‌که به نظر شما بهتر است دخترتان با پسری از افراد فامیل ازدواج کند یا با فردی غیرفامیل، حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج برای دختران و اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل دختران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

علاوه بر مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیت‌شناختی زنان مثل سواد و تحصیلات، سال ازدواج، وضعیت شغلی، محل تولد و محل سکونت، زبان مادری پاسخ‌گو نیز برای تعیین تعلق قومی زنان مورد پرسش قرار گرفت. تحلیل کوهورتی رفتارها و نگرش‌های مرتبط با ازدواج زنان این امکان را فراهم می‌سازد تا روندهای زمانی تغییر در رفتار و نگرش‌های ازدواج زنان کُرد و تُرک را بررسی کنیم. در این راستا، سه کوهورت ازدواج بر طبق سال ازدواج زنان از هم تفکیک شد. این تفکیک و تمایز به گونه‌ای است که هر گروه هم‌دوره ازدواج معرف یک دوره از تغییرات اجتماعی در جامعه ایران است.

کوهورت ازدواج ۱۳۴۸-۱۳۵۷: اقدام به ازدواج و تشکیل خانواده از سوی زنان متعلق به

این کوهورت ازدواج منطبق با دوره‌ای است که در آن اولین برنامه ملی تنظیم خانواده از سوی رژیم شاه با هدف کنترل مولید طی سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۷۵ به اجرا درآمد*.

کوهورت ازدواج ۱۳۶۷-۱۳۵۸: زمان‌بندی ازدواج زنان متعلق به این کوهورت ازدواج هم‌زمان است با اولین دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که با تغییرات اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای در جامعه ایران همراه بود. در این دوره، حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران تغییر یافت و دولت جدید و انقلابی ضمن تعلیق برنامه ملی تنظیم خانواده رژیم پهلوی، در قالب سیاست‌های محرومیت‌زدایی از مناطق محروم به‌طور غیررسمی به تشویق مولید پرداخت. علاوه بر این‌ها، اقدامات قابل توجهی در راستای بهبود موقعیت افراد و خانواده‌ها در زمینه‌هایی چون بهداشت، آموزش و توسعه روستایی صورت گرفت.

کوهورت ازدواج ۱۳۶۸ و بعد از آن: زنان متعلق به این کوهورت ازدواج در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و در دوره اجرای دومین برنامه رسمی تنظیم خانواده (اولین برنامه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) اقدام به ازدواج و تشکیل خانواده نموده‌اند. در این دوره اقدامات بسیاری برای بهبود موقعیت اقتصادی مردم در مناطق مختلف کشور صورت گرفت. علاوه بر این، یکی از استراتژی‌های دولت در راستای تحقق هدف‌های برنامه تنظیم خانواده، لغو همه قوانین و مقررات مشوق افزایش مولید و افزایش دوباره حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران بود.

در ارزیابی یافته‌ها و تحلیل روابط بین متغیرها از آزمون‌های مختلف آماری نظیر تحلیل واریانس، آزمون کای اسکور، انواع ضرایب همبستگی متناسب با سطح سنجش متغیرها و تکنیک تحلیل طبقه‌بندی چندگانه^۱ برای بررسی تأثیر ورود هر یک از عوامل و تأثیر تراکمی آن‌ها در کنار قومیت می‌پردازیم و به این ترتیب مشخص می‌کنیم که آیا با وجود کنترل عوامل مرتبط با نوسازی، قومیت هم‌چنان تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر رفتارها و نگرش‌های ازدواج زنان دارد.

یافته‌ها

الف. رفتارهای ازدواج زنان و عوامل مرتبط با آن

منظور از رفتارهای مرتبط با ازدواج در این بررسی، عملکرد زنان گروه‌های قومی مورد بررسی در زمینه زمان‌بندی ازدواج (سن هنگام ازدواج)، نسبت فامیلی با شوهر و ازدواج

* به خاطر حجم کم نمونه در این کوهورت ازدواج، نتایج را بایستی با احتیاط تفسیر نمود.

1. Multiple Classification Analysis (MCA)

با فردی خارج از گروه قومی پاسخگو می‌باشد. رفتارهای ازدواجی تحت تأثیر نیروهای نوسازی و زمینه‌های قومی فرهنگی اجتماعات مختلف متغیر خواهد بود. نیروهای نوسازی و بسته ایده‌آل‌ها اگرچه رفتارهای ازدواجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما تأثیر آن‌ها با توجه به پیشینه منحصر به فرد تاریخی و ساختارهای اجتماعی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه به گونه متفاوتی بر الگوهای خانواده و ازدواج ظاهر خواهد شد. این تأثیر با توجه به زمینه‌های قومی و فرهنگی جامعه ایران، در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و حتی در میان اقوام در لایه‌های اجتماعی یکسان و هم‌زمان نیست. بنابراین، انتظار می‌رود تفاوت‌های معنی‌داری در رفتارها و نگرش‌های ازدواجی زنان گردد و ترک در جامعه مورد بررسی وجود داشته باشد.

زمان‌بندی ازدواج

جدول ۱ توزیع زنان را بر حسب میانگین سن ازدواج و زمان‌بندی ازدواج بر حسب سن هنگام ازدواج نشان می‌دهد. اگرچه تفاوت معنی‌داری در میانگین سن ازدواج زنان گرد و ترک وجود ندارد، اما توزیع زنان بر حسب سن هنگام ازدواج تفاوت معنی‌داری را در زمان‌بندی ازدواج زنان متعلق به کوهورت‌های مختلف در هر یک از قومیت‌ها نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۱، زودرسی ازدواج (ازدواج قبل از ۲۰ سالگی) در میان کردها نسبتاً رایج‌تر از ترک‌هاست. در مقابل، دیررسی ازدواج (ازدواج در سنین ۲۰ و بالاتر) از عمومیت بیشتری در میان ترک‌ها برخوردار است. نتایج هم‌چنین گویای آن است که در طول زمان، زودرسی ازدواج که پدیده‌ای نسبتاً رایج در هر دو گروه قومی به‌ویژه در میان کردها بوده، رواج و عمومیت خود را از دست داده و در مقابل بر نسبت درصد زنانی که در سن ۲۰ سالگی و بیشتر ازدواج کرده‌اند افزوده شده است. میانگین سن ازدواج زنان در هر دو گروه قومی از حدود ۱۵/۵ سال در کوهورت‌های ازدواج قبل از انقلاب تا حدود ۲۰ سال در میان زنان متعلق به کوهورت ازدواج ۱۳۶۸ به بعد در نوسان است. تحلیل کوهورتی رفتارهای ازدواج زنان نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی تفاوت معنی‌داری در زمان‌بندی ازدواج زنان متعلق به کوهورت‌های ازدواج وجود دارد. زنانی که در سال‌های پس از پایان جنگ و اجرای برنامه ملی تنظیم خانواده ازدواج کرده‌اند، از میانگین سن ازدواج بالاتری در مقایسه با هم‌تایان خود در کوهورت‌های ازدواج قبل از انقلاب و دهه اول انقلاب برخوردارند.

جدول ۱. میانگین سن ازدواج و توزیع نسبی زنان گروه‌های قومی بر حسب سن هنگام ازدواج بار اول

قومیت	کوهورت‌های ازدواج	زمان‌بندی ازدواج	
		میانگین سن ازدواج (سال)	سن هنگام ازدواج (سال)
کرد	۱۳۴۸-۱۳۵۷	۱۵/۵۶	۹۶/۰
	۱۳۵۸-۱۳۶۷	۱۷/۹۷	۲۱/۴
	۱۳۶۸ به بعد	۲۰/۰۰	۴۲/۶
	کل	۱۹/۱۳	۳۴/۱
	آزمون آماری (مقایسه‌ی کوهورت‌های ازدواج)		$F = ۱۸ / ۳۷۱, Sig = ۰ / ۰۰۰$
ترک	۱۳۴۸-۱۳۵۷	۱۵/۴۷	۹۴/۱
	۱۳۵۸-۱۳۶۷	۱۸/۵۸	۲۴/۵
	۱۳۶۸ به بعد	۲۰/۴۸	۴۲/۶
	کل	۱۹/۷۴	۳۶/۰
	آزمون آماری (مقایسه‌ی کوهورت‌های ازدواج)		$F = ۱۸ / ۷۲۲, Sig = ۰ / ۰۰۰$
آزمون آماری (مقایسه‌ی گروه‌های قومی)		$t = ۱ / ۹۴۲, Sig = ۰ / ۰۷۸۶$	

بررسی تأثیر خالص قومیت بر زمان‌بندی ازدواج زنان مستلزم تحقیقات از نوع گذشته‌نگر به منظور بررسی مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی زنان و خانواده‌های آن‌ها به هنگام ازدواج است. در بیشتر مطالعاتی که به بررسی تفاوت‌های قومی در زمان‌بندی ازدواج پرداخته‌اند، این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است، چراکه ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی زنان در زمان بررسی با سن ازدواج آن‌ها در رابطه قرار گرفته است. جایگاه و موقعیت زنان در نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه، معمولاً در گذر زمان و تحت تأثیر نیروهای نوسازی تغییر می‌کند، در حالی که تصمیم‌گیری و اقدام آن‌ها به ازدواج در یک سن معین تحت تأثیر ویژگی‌ها و شرایط آن‌ها و خانواده‌هایشان در زمان ازدواج است.

ازدواج خویشاوندی و همسان همسری قومی

ازدواج خویشاوندی یکی از الگوهای رایج ازدواج در ایران است. اطلاعات مندرج در جدول ۲ از عمومیت بیشتر ازدواج‌های خویشاوندی در میان گردها حکایت دارد. آماره کای اسکور و سطح معنی‌داری آن نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده‌شده ناشی از شانس نبوده و کاملاً معنی‌دار است. نتیجه مشابهی در مطالعه عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴: ۳۵) به دست آمد.

ازدواج خویشاوندی در میان کردها اگرچه از بیش از ۵۸ درصد در میان زنانی که در سال‌های قبل از انقلاب ازدواج کرده‌اند، به حدود ۴۲ درصد در دهه اول انقلاب کاهش یافته، ولی در میان زنان متعلق به کوهورت‌های ازدواج سال‌های پس از جنگ اندکی افزایش یافته است. در مقابل، روند ازدواج‌های خویشاوندی* در میان ترک‌ها به گونه‌ای بوده است که از سطح پایینی در سال‌های قبل از انقلاب به سطح بالایی در دهه اول انقلاب افزایش یافته و سپس در سال‌های پس از جنگ کاهش یافته است.

جدول ۲. توزیع نسبی زنان گروه‌های قومی بر حسب نسبت فامیلی زن با شوهر و ازدواج قومی به تفکیک کوهورت‌های ازدواج

ازدواج قومی	نسبت فامیلی زن با شوهر		کوهورت‌های ازدواج	قومیت
	درون قومی	غیرخویشاوند		
۰/۰	۱۰۰/۰	۴۴/۰	۱۳۴۸-۱۳۵۷	کرد
۱/۰	۹۹/۰	۵۸/۲	۱۳۵۸-۱۳۶۷	
۰/۰۰	۱۰۰/۰	۵۷/۴	۱۳۶۸ به بعد	
۰/۳	۹۹/۷	۵۶/۷	کل نمونه	
۰/۰	۱۰۰/۰	۹۴/۸	۱۳۴۸-۱۳۵۷	ترک
۶/۶	۹۳/۴	۷۲/۶	۱۳۵۸-۱۳۶۷	
۶/۸	۹۳/۹	۷۷/۹	۱۳۶۸ به بعد	
۶/۰	۹۴/۰	۷۷/۲	کل نمونه	
$\chi^2 = ۶۴۵/۷, Sig = ۰/۰۰۰$		$\chi^2 = ۳۴/۱۲۱, Sig = ۰/۰۰۰$		آزمون آماری (مقایسه‌ی گروه‌های قومی)
Phi = ۰/۹۳۶		Phi = ۰/۲۶۵		

یکی دیگر از ابعاد مرتبط با رفتارهای ازدواج زنان ازدواج بین‌قومی است. در این بررسی از زنان سؤال شد که زبان مادری شوهر آن‌ها چیست؟ نسبت درصد افرادی که شوهرشان با زبانی غیر از زبان مادری پاسخ‌گو تکلم می‌کردند، شاخصی از ازدواج‌های بین‌قومی به دست می‌دهد. ازدواج بین‌قومی به عنوان یکی از شاخص‌های فاصله اجتماعی از عمومیت پایینی در هر دو گروه قومی برخوردار است، اما عمومیت آن در میان ترک‌ها بیشتر است. در واقع، می‌توان گفت همسان همسری قومی در ازدواج اگرچه در میان زنان متعلق به هر سه گروه هم‌دوره

* شیوع کمتر ازدواج‌های خویشاوندی در میان زنان ترک متعلق به کوهورت ازدواج ۱۳۴۸-۱۳۵۷ می‌تواند ناشی از خطای حجم کم نمونه در این کوهورت ازدواج باشد. تفسیر نتایج بایستی کاملاً با احتیاط صورت بگیرد.

ازدواجی در هر دو گروه قومی رایج است، اما رواج و عمومیت آن در میان کردها بیشتر است. این یافته‌ها از انجسام قومی بیشتر کردها در مقایسه با ترک‌ها حکایت دارد. با این وجود، از آنجا که زنان کرد و ترک شهرستان ارومیه در یک بستر جغرافیایی و در کنار هم زندگی می‌کنند، عمومیت بسیار بالای همسان همسری قومی در میان کردها از محدود بودن دایره همسرگزینی در میان آن‌ها و فاصله عمیق اجتماعی کردها با ترک‌ها در جامعه مورد بررسی حکایت دارد. عمومیت بیشتر ازدواج‌های خویشاوندی و همسان همسری قومی در میان کردها به روشنی گویای این واقعیت است که نیروهای نوسازی در تعامل با ساختارهای اجتماعی و عوامل قومی فرهنگی تأثیرهای متفاوتی بر الگوهای ازدواج در میان اقوام و اجتماعات گوناگون می‌گذارند. الگوهای متفاوت ازدواج خویشاوندی زنان کرد و ترک در دوره تأثیرپذیری جامعه از فرآیندهای نوسازی، صنعتی‌شدن و شهرنشینی آن هم در یک بستر جغرافیایی به روشنی از عاملیت نیروهای محلی و قومی فرهنگی در تعامل با نیروهای نوسازی و بسته ایده‌آل‌ها در شکل‌دهی الگوهای ازدواج و خانواده حکایت دارد. به این ترتیب، می‌توان گفت عوامل و زمینه‌های قومی فرهنگی هم‌چون بستری زمینه را برای تأثیرگذاری نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی اجتماعی فراهم می‌سازد.

ب. نگرش‌های مرتبط با ازدواج دختران

در بررسی نگرش‌های ازدواجی زنان تمرکز بر سه محور از نگرش‌های بین‌قومی در رابطه با ابعاد مختلف ازدواج دختران مانند ازدواج خویشاوندی، زمان‌بندی ازدواج و اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل است.

نگرش زنان در مورد زمان‌بندی ازدواج دختران

مقایسه رفتار ازدواج زنان با نگرش آن‌ها نسبت به زمان‌بندی ازدواج دختران نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی نگرش زنان نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران منطبق بر رفتار ازدواج آن‌ها می‌باشد (جدول ۱). زنان کرد که در مقایسه با ترک‌ها در سن پایین‌تری ازدواج کرده‌اند، محدوده سنی پایین‌تری برای ازدواج دختران پیشنهاد کرده‌اند. با این وجود، در هر دو گروه قومی زنان حداقل سن ازدواج بالاتری برای دختران‌شان نسبت به میانگین سن ازدواج خود پیشنهاد کرده‌اند. آماره ۴ و سطح معنی‌داری آن نشان می‌دهد که تفاوت‌های قومی در نگرش زنان در خصوص حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج برای دختران معنی‌دار است. تحلیل کوهورت

نگرش زنان متعلق به کوهورت‌های ازدواج نتایج متفاوتی را به دست می‌دهد. زنانی که قبل از انقلاب اقدام به ازدواج کرده‌اند، اگرچه خود در سن پایینی ازدواج کرده‌اند (جدول ۱)، ولی متوسط حداقل سن ازدواج بالاتری برای دختران‌شان پیشنهاد کرده‌اند.

جدول ۳. توزیع نسبی زنان بر حسب نگرش‌های مرتبط با ازدواج دختران به تفکیک کوهورت‌های ازدواج و قومیت

قومیت	کوهورت‌های ازدواج	میانگین حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج برای دختران		ازدواج خویشاوندی دختران		اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل دختران	
		حداقل	حداکثر	خویشاوند	غیرخویشاوند	ادامه تحصیل	ازدواج
کرد	۱۳۴۸-۱۳۵۷	۱۹/۵۶	۲۳/۲۸	۲۵/۰	۴۱/۷	۳۳/۳	۴۱/۷
	۱۳۵۸-۱۳۶۷	۱۹/۱۱	۲۳/۳۸	۲۰/۴	۴۲/۹	۳۶/۷	۳۳/۵
	۱۳۶۸ به بعد	۱۹/۳۹	۲۳/۲۵	۱۹/۹	۴۷/۵	۳۲/۶	۷۶/۳
	کل نمونه	۱۹/۳۲	۲۳/۲۸	۲۰/۴	۴۵/۸	۳۳/۸	۷۳/۲
ترک	۱۳۴۸-۱۳۵۷	۱۹/۱۲	۲۳/۰۶	۲۵/۰	۳۷/۵	۳۷/۵	۶۲/۵
	۱۳۵۸-۱۳۶۷	۲۰/۱۹	۲۴/۴۴	۱۲/۶	۶۹/۹	۱۷/۵	۷۳/۸
	۱۳۶۸ به بعد	۲۰/۰۷	۲۳/۵۱	۶/۵	۶۳/۷	۲۹/۸	۷۹/۳
	کل نمونه	۲۰/۰۶	۲۴/۴۷	۸/۹	۶۴/۳	۲۶/۸	۷۷/۴

آزمون آماری $\chi^2 = ۱/۷۳۷^{NS}$ $\chi^2 = ۳۱/۱۹۰^{**}$ $t = ۵/۶۴۴^{**}$ $t = ۳/۸۷۱^{**}$
 (مقایسه‌ی گروه‌های قومی)

** معنادار در سطح ۰/۰۰۱ = NS غیرمعنی‌دار

نتیجه‌ی آزمون تحلیل واریانس نشان داد که تفاوت معنی‌داری در نگرش زنان گروه‌های قومی در کوهورت‌های ازدواج در زمینه‌ی حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج برای دختران وجود ندارد*. در واقع، می‌توان گفت نگرش زنان متعلق به کوهورت‌های مختلف در این زمینه نسبتاً هم‌گراست. این وضعیت از تأثیرپذیری یکسان آن‌ها از شرایط اشتغال و بازار کار و نیز تمایلات زنان گروه‌های قومی به افزایش سطح سواد و تحصیلات فرزندان‌شان حکایت دارد.

نگرش زنان نسبت به ازدواج خویشاوندی دختران

برای بررسی نگرش زنان نسبت به ازدواج خویشاوندی از پاسخ‌گویان سؤال شد که به نظر شما بهتر است دخترتان با پسری از افراد فامیل ازدواج کند یا غیرخویشاوند؟ پاسخ‌ها در سه مقوله‌ی خویشاوند، غیرخویشاوند و فرقی نمی‌کند، دسته‌بندی شد. اگرچه ازدواج خویشاوندی در میان‌گورها از عمومیت بیشتری در مقایسه با ترک‌ها برخوردار است، اما در طول زمان از

* مقادیر آزمون F و سطح معنی‌داری آن در جدول گزارش نشده است.

گرایش زنان به ازدواج خویشاوندی کاسته شده است. با این حال، نسبت درصد زنانی که معتقدند بهتر است دخترشان با پسری از افراد فامیل ازدواج کند در میان گردها بیش از دو برابر تُرک‌هاست (جدول ۳). نتیجه مشابهی توسط عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳: ۵۹) و عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵ ب: ۱۳۶) به دست آمد. تحلیل کوهورت نگرش نسبت به ازدواج خویشاوندی دختران نشان می‌دهد که نگرش زنان کوهورت‌های ازدواج در میان گردها مساعدتر از همتایان تُرک است. مقدار کای اسکور و سطح معنی‌داری آن نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده در مقایسه گروه‌های قومی (کرد و ترک) از نظر آماری معنی‌دار است.

نگرش زنان در مورد اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل دختران

با توجه به محدودیت دوران تولیدمثل، سوادآموزی و تمایل به ادامه تحصیلات تا سطح عالی می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر زمان‌بندی ازدواج، سال‌های قابلیت زناشویی بارور و در نتیجه سطح باروری داشته باشد. علاوه بر این، زنان با تحصیلات بالاتر اطلاعات بیشتری درباره روش‌های مختلف کنترل موالید دارند. بُعد مطلوب خانوار در میان این دسته از زنان پایین‌تر از زنانی است که تحصیلات پایین‌تری دارند. بنابراین، تفاوت‌های قومی در سوگیری جنسی نسبت به سوادآموزی و کسب تحصیلات بالاتر می‌تواند به تفاوت‌های قومی در باروری زنان منجر شود. در این بررسی، از زنان سؤال شد که اگر دختری دیپلمش را گرفت و قصد ادامه تحصیل در دانشگاه را داشت و در عین حال امکان ازدواج برایش فراهم شد، ترجیح می‌دهند که دخترشان ازدواج کند یا به ادامه تحصیل بپردازد. در هر صورت، ازدواج یا ادامه تحصیل، چه دلیلی* برای نوع نگرش خود دارند. نتایج (جدول ۳) نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی اکثریت زنان ادامه تحصیل را بر ازدواج ترجیح می‌دهند. آماره کای اسکور نشان می‌دهد که تفاوت در نگرش زنان کرد و تُرک در این زمینه از نظر آماری معنی‌دار نیست. نگرش زنان متعلق به کوهورت‌های ازدواج نیز از توزیع آن در کل نمونه تبعیت می‌کند. به بیان دیگر، در هر دو گروه قومی بیش از دو سوم زنان اظهار داشته‌اند که ادامه تحصیل دختران‌شان را بر ازدواج آن‌ها ترجیح می‌دانند. نگرش‌ها در کوهورت‌های مختلف ازدواج نزدیک به هم است و این تحلیل قبلی در خصوص نگرش زنان نسبت به زمان‌بندی ازدواج دختران‌شان را مورد تأیید قرار می‌دهد. دلایل ارائه شده توسط زنان هر دو گروه قومی مثل هم است. در هر دو گروه قومی بیشترین نسبت زنان دستیابی به فرصت‌های بهتر ازدواج را دلیل اصلی اولویت ادامه تحصیل بر ازدواج

* توزیع زنان بر حسب دلایل ارائه شده در این جا گزارش نشده است.

می‌دانند. در مرحله بعد، برخلاف ترک‌ها که اهمیت تربیت صحیح فرزندان و دستیابی به شغل مناسب را عنوان کرده‌اند، کردها دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب و بعد تربیت فرزندان را دلیل اولویت ادامه تحصیل بر ازدواج می‌دانند. مقایسه بین‌گروهی دلایل ارائه شده برای اولویت ازدواج بر ادامه تحصیل نیز واقعیت‌های دیگری را آشکار می‌سازد. در حالی که بیشترین نسبت زنان گرد پیدا نشدن موقعیت مناسب‌تر ازدواج را دلیل اصلی عنوان کرده‌اند، بیش‌ترین نسبت زنان ترک اظهار داشته‌اند که ازدواج منافاتی با ادامه تحصیل نداشته و ضمن ازدواج نیز می‌توان ادامه تحصیل داد. تفاوت دیگر مشاهده شده در نسبت درصد زنانی است که معتقدند وظیفه زن خانه‌داری است. حدود ۲۰ درصد کردهایی که بر اولویت ازدواج بر ادامه تحصیل دختران تأکید دارند، وظیفه زنان را خانه‌داری می‌دانند، در حالی که این نسبت در میان ترک‌ها ۳/۴ برابر کمتر از کردهاست.

ج. تحلیل چندمتغیره

همان‌طور که نشان داده شد، تفاوت‌های معنی‌داری در رفتارهای ازدواج زنان گرد و ترک در زمینه‌هایی چون زمان‌بندی ازدواج و ازدواج خویشاوندی وجود دارد. علاوه بر این، در مواردی نیز نگرش زنان نسبت به ازدواج دختران منطبق بر رفتارهای ازدواجی آن‌ها بوده و از این منظر نیز تفاوت‌های معنی‌داری بین زنان گروه‌های قومی وجود دارد. جدول ۴ نتایج تحلیل طبقه‌بندی چندگانه رفتار ازدواج زنان را در زمینه ازدواج خویشاوندی نشان می‌دهد.

جدول ۴. تحلیل طبقه‌بندی چندگانه تأثیر قومیت بر رفتار زنان در زمینه ازدواج خویشاوندی

Eta	Beta						
	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۰/۲۱۵	۰/۱۹۸	۰/۲۰۸	۰/۲۰۹	۰/۲۰۲	۰/۲۱۶	۰/۲۱۵	قومیت
۰/۰۲۵	۰/۰۵۰	۰/۰۴۸	۰/۰۵۲	۰/۰۳۳	۰/۰۳۱		محل سکونت
۰/۰۸۶	۰/۰۳۲	۰/۰۴۱	۰/۰۴۴	۰/۰۳۷			محل تولد
۰/۰۴۷	۰/۰۵۳	۰/۰۵۴	۰/۰۵۳				وضعیت اشتغال و نوع شغل زن
۰/۰۳۸	۰/۰۱۷	۰/۰۲۴					کوهورت‌های ازدواج
۰/۱۳۶	۰/۰۳۹						سواد و تحصیلات زن
	۲/۶۷۲	۴/۹۴۷	۶/۵۳۹	۱۲/۴۱۵	۱۸/۲۰۳	۲۵/۶۷۶	آزمون آماری
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
	۵/۳	۵/۲	۵/۱	۴/۸	۴/۷	۴/۶	واریانس تبیین شده (درصد)

مقادیر بتا در ردیف اول، همبستگی قومیت و ازدواج خویشاوندی را با حضور هر یک از متغیرها و شاخص‌های تحلیل در ۶ مرحله نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌بینید، شدت همبستگی قومیت و ازدواج خویشاوندی قبل از کنترل عوامل متغیرهای پیش بین بالا و معادل ۰/۲۱۵ است. با ورود عوامل مرتبط با نوسازی در معادله (مراحل ۲ تا ۶) از نسبت همبستگی قومیت و ازدواج خویشاوندی حدود ۸ درصد کاسته شده است. با این حال، حضور قومیت در معادله همچنان از نظر آماری معنی‌دار است. نکته در خور تأمل کاهش محسوس شدت رابطه قومیت و ازدواج خویشاوندی پس از وارد کردن متغیر سواد و تحصیلات زنان در معادله است. با همه این‌ها، اگرچه پس از کنترل عوامل مرتبط با نوسازی در رابطه قومیت و ازدواج خویشاوندی تا حدودی از شدت رابطه بین دو متغیر کاسته شده، اما تفاوت در رفتار ازدواج زنان گروه‌های قومی در این زمینه همچنان از نظر آماری معنی‌دار است. این نتایج منطبق با یافته‌های عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴: ۴۲)، عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵ ب) و عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۸) در زمینه تأثیر عوامل قومی فرهنگی بر ازدواج خویشاوندی در ایران است.

همان‌طور که دیدیم، زنان گُرد و تُرک دارای نگرش‌های متفاوتی در زمینه حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران هستند. گُردها که در مقایسه با ترک‌ها در سنین پایین‌تری ازدواج کرده‌اند، حداقل سن ازدواج پایین‌تری را به عنوان سن مناسب ازدواج برای دختران پیشنهاد کرده‌اند. سؤالی که مطرح می‌شود این است: تا چه اندازه نگرش زنان درباره سن مناسب ازدواج برای دختران خاستگاه قومی دارد؟ جدول ۵ نتایج تحلیل طبقه‌بندی چندگانه تأثیر قومیت بر نگرش زنان نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران را نشان می‌دهد.

جدول ۵. خلاصه نتایج تحلیل طبقه‌بندی چندگانه تأثیر قومیت بر نگرش زنان نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران

Eta	Beta						
	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۰/۱۳۱	۰/۰۱۴	۰/۰۸۱	۰/۰۸۲	۰/۱۰۲	۰/۱۳۳	۰/۱۳۱	قومیت
۰/۲۶۴	۰/۲۱۶	۰/۲۵۵	۰/۲۴۵	۰/۲۲۴	۰/۲۵۸		محل سکونت
۰/۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹۳	۰/۱۰۱	۰/۱۲۳			محل تولد
۰/۱۸۲	۰/۱۵۱	۰/۱۶۸	۰/۱۶۶				وضعیت اشتغال و نوع شغل زن
۰/۰۳۲	۰/۰۱۷	۰/۰۵۷					کوهورت‌های ازدواج
۰/۳۲۳	۰/۲۸۸						سواد و تحصیلات زن
	۱۳/۹۸۹	۱۳/۵۲۳	۱۷/۵۸۰	۳۷/۰۹۸	۳۴/۷۹۶	۱۴/۹۸۵	آزمون آماری
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
	۱۷/۵	۱۲/۹	۱۲/۶	۱۰/۰	۸/۶	۲/۰	واریانس تبیین شده (درصد)

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۵، تعلق قومی درصد کمی از تفاوت در نگرش زنان نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران را تبیین می‌کند. وقتی اثر سایر عوامل مرتبط با نوسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی در رابطه فوق کنترل شد، نه تنها از شدت همبستگی بین قومیت و نگرش زنان در خصوص سن مناسب ازدواج برای دختران کاسته شد، بلکه مقدار واریانس تبیین شده نیز افزایش یافت. مقادیر بتا در ستون ششم نشان می‌دهد که در میان متغیرهای مورد بررسی، سواد و تحصیلات زنان، محل سکونت و وضعیت اشتغال و نوع شغل زن بیشترین تأثیر را در تبیین تفاوت‌های قومی در نگرش زنان نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران دارد.

یافته‌ها گویای این واقعیت است که در گذر زمان و تحت تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی-اجتماعی، نقش قومیت در نگرش‌های ازدواج زنان کم‌رنگ شده و نوعی هم‌گرایی در میان زنان گروه‌های قومی نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران به وجود آمده است. بنابراین، می‌توان امیدوار بود که با بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی زنان و توانمندسازی آن‌ها از طریق افزایش سطح سواد و تحصیلات و گسترش مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی خارج از منزل، رفتار، نگرش‌ها و الگوی ازدواج زنان گروه‌های قومی بیشتر همانند شود.

نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله بررسی تفاوت‌های قومی در رفتار و نگرش زنان در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده بود. از آنجا که قومیت هم‌چون بستری است که از مجرای آن نیروهای نوسازی بر رفتار و نگرش‌های افراد و خانوارها تأثیر می‌گذارند و با توجه به تأثیرپذیری متفاوت گروه‌های قومی از نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی اجتماعی، انتظار بر این بود که تفاوت‌های معنی‌داری در رفتار و نگرش‌های مرتبط با ازدواج زنان گردد و ترک وجود داشته باشد. برای مطالعه این موضوع، به بررسی تطبیقی رفتار و نگرش‌های مرتبط با ازدواج زنان گرد و ترک ساکن در شهرستان ارومیه پرداخته شد. داده‌ها حاصل یک پیمایش مقطعی بود که با استفاده از تکنیک پرسشنامه ساخت‌یافته و بر روی نمونه‌ای بالغ بر ۷۳۹ نفر از مادران دست‌کم یک بار ازدواج کرده گرد و ترک در شهرستان ارومیه گردآوری شد. بر مبنای این داده‌ها، تفاوت‌های قومی در رفتار و نگرش‌های مرتبط با ازدواج زنان در زمینه ازدواج خویشاوندی، همسان همسری قومی (ازدواج بین‌قومی)، زمان‌بندی ازدواج و اولویت ازدواج یا ادامه تحصیل دختران مورد بررسی قرار گرفت. در بُعد رفتاری، نتایج از تفاوت‌های قومی در برخی از ابعاد مرتبط با ازدواج و تشکیل

خانواده حکایت داشت. اگرچه تفاوت معنی‌داری در میانگین سن ازدواج زنان کُرد و تُرک وجود ندارد، اما توزیع زنان بر حسب سن هنگام ازدواج تفاوت‌های آماری معنی‌داری را نشان داد. تحلیل کوهورت زمان‌بندی ازدواج زنان نشان داد که هم سو با روندهای ملی و به موازات تغییرات اجتماعی در جامعه ایران، میانگین سن ازدواج زنان در هر دو گروه قومی افزایش یافته است. با این حال، تفاوت‌های معنی‌داری در سن به هنگام ازدواج زنان متعلق به کوهورت‌های ازدواج کُرد و تُرک وجود دارد. این بررسی هم‌چنین نشان داد که تفاوت‌های قومی معنی‌داری در زمینه ازدواج در درون شبکه خویشاوندی و قومی وجود دارد. ازدواج خویشاوندی در میان کُردها در هر سه کوهورت ازدواج عمومیت بیشتری دارد. هم‌چنین، ازدواج بین‌قومی که در گذشته هیچ یک از گروه‌های قومی مورد بررسی رواج نداشته است در گذر زمان عمومیت یافته است، منتهی همسان همسری قومی از رواج و عمومیت به مراتب بیشتری در میان کُردها برخوردار است.

این الگوهای رفتاری در ازدواج و تشکیل خانواده به روشنی بیانگر این واقعیت است که نیروهای نوسازی در تعامل با ساختارهای اجتماعی و عوامل قومی فرهنگی تأثیرهای متفاوتی بر الگوهای ازدواج در میان زنان گروه‌های قومی گذاشته است. در واقع، چون گروه‌های قومی به درجات متفاوتی از نیروهای نوسازی تأثیر پذیرفته‌اند، الگوهای ازدواج در میان آن‌ها نیز به درجات متفاوتی تغییر کرده است. این امر سبب شده است تا زنان کُرد و تُرک در گذر زمان نگرش‌های متفاوتی نسبت به ازدواج دختران‌شان پیدا کنند. اگرچه نگرش زنان در هر دو گروه قومی نسبت به زمان‌بندی ازدواج دختران منطبق بر رفتار آن‌هاست، ولی زنان کُرد و تُرک حداقل سن ازدواج بالاتری برای دختران‌شان نسبت به میانگین سن ازدواج خودشان پیشنهاد کرده‌اند. هرچند تفاوت بین گروه‌های قومی از این جهت معنی‌دار است، اما در درون گروه‌های قومی نوعی هم‌گرایی در نگرش زنان متعلق به کوهورت‌های ازدواج مختلف وجود دارد. این بررسی هم‌چنین نشان داد که اگرچه در طول زمان از گرایش زنان هر دو گروه قومی نسبت به ازدواج خویشاوندی کاسته شده است، اما نسبت درصد زنانی که معتقدند بهتر است دخترشان با پسری از افراد فامیل ازدواج کند، در میان کُردها ۲/۳ برابر ترک‌هاست. نتایج با یافته‌های تحقیقات پیشین در زمینه تمایل به ازدواج خویشاوندی در میان زنان کُرد و تُرک هم‌خوانی دارد. نتایج تحلیل طبقه‌بندی چندگانه نشان داد که هرچند پس از کنترل عوامل مرتبط با نوسازی در رابطه قومیت و ازدواج خویشاوندی تا حدودی از شدت رابطه بین دو متغیر کاسته شده، اما تفاوت در رفتار ازدواج زنان گروه‌های قومی در این زمینه هم‌چنان از نظر آماری معنی‌دار است.

بر اساس این نتایج، باید گفت که قومیت نه تنها بر رفتار و ایستارهای مرتبط با ازدواج و

تشکیل خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه بستری فراهم می‌سازد که در چارچوب آن نیروهای نوسازی رفتار و نگرش‌های ازدواجی افراد و خانوارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این نتایج روشنگر این واقعیت است که در تحلیل‌های جمعیتی بایستی قومیت را فراتر از یک متغیر در نظر گرفت. بر این اساس، انجام مطالعات جمعیتی با روش‌شناسی کیفی یا ترکیبی به منظور شناسایی و درک ابعاد قومی و فرهنگی نهفته در پس رفتارهای جمعیتی - به‌ویژه در جوامع چندقومی و چندفرهنگی - مهم و ضروری می‌نماید.

منابع

- بلالی، اسماعیل (۱۳۸۴)، *بررسی عوامل ساختاری مؤثر بر تحریم اجتماعی اقوام: مطالعه موردی کردها و ترک‌ها*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- بهنام، جمشید (۱۹۹۲)، *تحولات خانواده: پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون*، (ترجمه محمدجعفر پوینده)، چاپ دوم، تهران: نشر ماهی.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۷ الف)، «بررسی تفاوت‌های قومی در ساختار زناشویی: مطالعه موردی زنان کُرد و ترک»، مقاله ارائه شده در همایش تحلیل یافته‌های سرشماری ۱۳۸۵، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۴ و ۵ دی ماه ۱۳۸۷.
- _____، (۱۳۸۷ ب)، قومیت و باروری: تبیین رفتارهای باروری زنان کُرد و ترک شهرستان ارومیه، رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- _____، و محمدجلال عباسی شوازی (۱۳۸۸)، «تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و ترک»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۲، صص ۵۵-۸۴.
- سرای، حسن (۱۳۸۵)، «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲، صص ۳۷-۶۰.
- کتابی، احمد (۱۳۷۹)، «زناشویی با خویشاوندان بسیار نزدیک در ایران باستان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۶۷-۱۹۲.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۵)، «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۲۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، (ترجمه منوچهر صبوری کاشانی)، تهران: نشر نی.
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاووشی، پیتز مک دونالد، بهرام دلاور (۱۳۸۳)، *تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب*، تهران: معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- _____، و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴)، «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۲۵ تا ۷۵.
- _____، و رسول صادقی (۱۳۸۴)، «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۴۷.
- _____، و فاطمه ترابی (۱۳۸۵ الف)، «سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران»، نامه انجمن

- جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲، صص ۶۱ تا ۸۸.
- _____، و فاطمه ترابی (۱۳۸۵ ب)، «تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸)، «مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، شماره ۴۴، صص ۱-۲۷.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳)، «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴، صص ۲۷-۵۳.
- محمدپور، احمد، رسول صادقی، مهدی رضایی و لطیف پرتوی (۱۳۸۸)، «سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی»، *پژوهش زنان*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۷۱-۹۳.

- Abbasi-Shavazi, M. J., P, McDonald and M, Hosseini-Chavoshi (2008), "Modernization or cultural maintenance: the practice of consanguineous marriage in Iran", *Journal of Biosocial Science*, 40: 911-933.
- Askari-Nodoushan, A., T. Aghayari hir, A. Ahmadi and A. Mehryar (2006), "Changing Mate Selection Pattern in Iran", Paper Presented at the International Conference on Emerging Population Issues in the Asian-Pacific Region: Challenges for the 21st Century, Mumbai, 10-31 December 2006.
- Cleland, J., and C.R. Wilson (1987), "Demand Theories of the Fertility Transition: An Iconoclastic View", *Population Studies*, 41 (1): 5-30.
- Givens B.P. & C. Hirschman (1994), "Modernization and Consanguineous Marriage in Iran", *Journal of Marriage and the Family*, 56 (4): 820-834.
- Good, W J. (1963), *World Revolution and Family Pattern*, New York: Free Press.
- Lesthaeghe, R. (1995), "The Second Demographic Transition in Western Countries: An Interpretation", Pp. 17-61. In K. O. Mason & A-M. Jensen (ed.s), *Gender and Family Change in Industrial Countries*, Oxford Clarendon Press.
- Lesthaeghe, R. & J. Surkyn (1988), "Cultural Dynamics and Economic Theories of Fertility Change", *Population and Development Review*, 14 (1): 1-45.
- Malhotra, A. (1997), "Gender and the Timing of Marriage Rural-Urban Differences in Java", *Journal of Marriage and the Family*, 59: 434-450.
- McDonald, P. (2002), "Low fertility: unifying the theory and the demography", paper prepared for session 73, *Future of fertility in low fertility countries*, 2002 Meeting of the Population Association of America.
- Minh, N.H. (1997), "Age at First Marriage in Vietnam: Patterns and Determinants",

- Asia-Pacific Population Journal*, 12 (2): 49-72.
- Palmore, J. (1983), "The Country Effect: A Six Nation Overview of the Determinants of Nuptiality and Cumulative Fertility", in: United Nations: *Asian Population Studies Series*, No. 59, PP. 6-11.
- Smith, P. C. (1980), Asian Marriage Patterns in Transition, *Journal of Family History*, 5 (1): 58-96.
- Tashakkori, A. & V.D. Thompson (1988), "Cultural Change and Attitude Change: An Assessment of Post-revolutionary Marriage and Family Attitudes in Iran", *Population Research and Policy Review*, 7 (1): 3-27.
- Thapa, S. (1989), "The Ethnic Factor in the Timing of Family Formation in Nepal", *Asia-Pacific Population Journal*, 4 (1), PP. 3-34.
- , (1997), "Timing of Family Formation in Ethnic Mosaic Nepal: *Asia-Pacific Population Journal*, 12 (2): 75-86.
- Torabi, F, and A. Baschieri (2010), Ethnic differences in transition to first marriage in Iran: The role of marriage market, women's socio-economic status, and process of development, *Demographic Research*, 22 (2): 29-62.
- Thapa, A. (2001), "The Developmental Paradigm, Reading History Sideways and Family Change", *Demography*, 38 (4): 449-465.
- Van de Kaa, D.J. (2001), "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior", *Population and Development Review*, 27, (Supp): 290-331.
- Von Elm, B, and C. Hirschman (1979), "Age at First Marriage in Peninsular Malaysia", *Journal of Marriage and the Family*, 41: 887-891.
- Xenos, P., and S.A. Gultiano (1992), "Trends in Female and Male Age at Marriage and Celibacy in Asia", *Population Series*, No. 120. East-West Center Occasional Paper.